

Research Paper

A Model for Empowering Rural Women in Kermanshah County

N. Azimi¹, A.H. Alibaygi², A. Papazan³

Received: 4 May, 2021

Accepted: 9 October, 2021

Abstract

In order to achieve development, the society needs to realize social justice and this will be possible in the shadow of women's empowerment. The study qualitative research was conducted with the aim of providing a model for empowering rural women in Kermanshah. The study population was experts in women's affairs in different departments as well as key informants who were selected by sequential sampling method and snowball technique. Data were collected using 16 in-depth and semi-structured interviews, and data were analyzed using directional content analysis. Findings showed that lack of priority for women in development and empowerment programs, lack of business conditions for rural women, diminishing work culture and participation in rural areas, and special conditions of rural women are among the factors that limit empowerment programs. Based on the findings, the goals of the optimal empowerment model should include: changes in women's attitudes and beliefs, attention to different dimensions of empowerment, increasing the role of agency in empowerment and improving the opportunity. To empowerment of women, actions such as identifying the current situation, targeted and continuous training, transformation in support actions, recreating the planning structure, increasing the role of actors and supporters in empowerment programs are essential. The consequences of women's empowerment programs are the re-creation of roles and responsibilities, the promotion of the social and economic status of rural women in society, and the transformation in the design and development of empowerment programs. The results of this study can be used by planners for planning to improve the status of women in rural communities.

Keywords: Cattaneo and Chapman Model, Women's Empowerment, Rural Development, Content Analysis, Kermanshah.

1. PhD Student in Agricultural Development, Faculty of Agriculture, Razi University, Kermanshah, Iran.

2. Corresponding Author and Associate Professor of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, Razi University, Kermanshah, Iran (baygi1@razi.ac.ir).

3. Associate Professor of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, Razi University, Kermanshah, Iran.

DOI: 10.30490/RVT.2021.354399.1354

روستا و توسعه

سال ۲۵، شماره ۱۰۰، زمستان ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

الگوی برای توانمندسازی زنان روستایی شهرستان کرمانشاه

نرگس عظیمی^۱، امیرحسین علی بیگی^۲، عبدالحمید پاپزن^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۱۷

چکیده

جامعه برای رسیدن به توسعه، نیازمند تحقق عدالت اجتماعی است و این امر در سایه توانمندسازی زنان ممکن خواهد بود. پژوهش کیفی حاضر با هدف ارائه الگوی برای توانمندسازی زنان روستایی شهرستان کرمانشاه انجام شد. جامعه مورد مطالعه صاحب نظران و کارشناسان امور زنان روستایی بودند که با روش نمونه‌گیری هدفمند متوالی و تکنیک گلوله برفی انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها با استفاده از ۱۶ مصاحبه نیمه ساختارمند انجام شد و داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوای جهت‌دار تجزیه و تحلیل شدند. نتایج تحقیق نشان داد که اولویت نداشتن زنان در برنامه‌های توسعه، فراهم نبودن فضای کسب‌وکار برای زنان روستایی، کم‌رنگ شدن فرهنگ کار و مشارکت در روستاها و شرایط خاص زنان روستایی از جمله عواملی هستند که برنامه‌های توانمندسازی را محدود می‌کنند. بر اساس یافته‌ها، اهداف مدل مطلوب توانمندسازی باید شامل تحول در نگرش‌ها و عقاید زنان، توجه به ابعاد مختلف توانمندی، افزایش نقش عاملیت در توانمندی و بهبود ساختار فرصت باشد. برای توانمندسازی زنان اقداماتی شامل شناسایی وضعیت موجود، آموزش هدفمند و مستمر، تحول در اقدامات حمایتی، بازآفرینی ساختار برنامه‌ریزی، افزایش نقش‌آفرینان و پشتیبانان، ضروری تشخیص

۱- دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

۲- نویسنده مسئول و دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

(bagyi1@razi.ac.ir)

۳- دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

DOI: 10.30490/RVT.2021.354399.1354

داده شد که به این ترتیب پیامدهایی شامل بازآفرینی نقش‌ها و تعیین مسئولیت‌ها، ارتقای جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی در جامعه و دگرگونی در طراحی و تدوین برنامه‌های توانمندسازی را در پی خواهد داشت. نتایج این مطالعه می‌تواند برای برنامه‌ریزی جهت ارتقای وضعیت اقتصادی اجتماعی زنان روستایی مورد استفاده برنامه‌ریزان توسعه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: مدل کاتانتو و چاپمن، توانمندی زنان، توسعه روستایی، تحلیل محتوا، کرمانشاه.

مقدمه

زنان روستایی از اقشار ضعیف جامعه هستند که از فرصت‌های شغلی و سطح سواد پایینی برخوردارند، درآمد مستقلی ندارند (Abbaszadeh et al., 2012) و به دلایل فرهنگی و حقوقی دسترسی و کنترل محدودی بر منابع دارند (Roshannia et al., 2016). جامعه‌ای که برای رسیدن به توسعه تلاش می‌کند، نیازمند تحقق عدالت اجتماعی است که این امر در سایه توانمندسازی زنان ممکن خواهد بود (Khosravi et al., 2013). توانمندسازی به معنای تفویض و یا اعطای قدرت به کسی است (Gholipour et al., 2008). زنان روستایی به طور مشخص به علت محدودیت اعتبارات (Papzan et al., 2011)، نپذیرفتن زنان در کسب‌وکار و جدی نگرفتن زنان به منزله صاحبان کسب‌وکار (Bouzarjomehri and Masoumi, 2018)، پایین بودن دانش و کمبود اعتمادبه‌نفس زنان (Saadi et al., 2012; Bouzarjomehri and Masoumi, 2018)، کند شدن تشکیل نهادهای زنان به علت عدم اطلاع‌رسانی مناسب، مشکلات مالی، عدم پشتیبانی کافی دستگاه‌های ذی‌ربط و موانع فرهنگی و اجتماعی (Yasoori, 2012) و همچنین دسترسی نداشتن به بازار، ندانستن چگونگی ورود به بازار و وجود واسطه‌ها و دلالتان (Bouzarjomehri and Masoumi, 2018) با مشکلات زیادی در سر راه توانمندی مواجه هستند. زنان روستایی در استان کرمانشاه در مسیر دستیابی به توانمندسازی با مشکلاتی مواجه هستند و لذا این پژوهش با هدف طراحی الگویی برای توانمندسازی آن‌ها انجام گرفت. در ارتباط با توانمندسازی و راهبردهای آن مطالعاتی انجام شده است؛ از جمله وطن‌خواه نوغانی و همکاران (Vatankhah Noghani et al., 2016) در شناسایی و اولویت‌بندی راهبردهای توانمندسازی زنان در روستاهای مهاجرفرست نشان دادند که افزایش توجه به زنان در برنامه‌های توسعه نواحی روستایی در سطوح بالای تصمیم‌گیری مهم‌ترین راهبرد توانمندسازی زنان بوده است. همچنین افزایش دسترسی زنان روستایی به منابع مالی و اعتباری دولتی برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای جدید، تعیین نیازهای آموزشی زنان روستایی و برگزاری دوره‌های

آموزشی لازم، تقویت خودباوری زنان برای راهاندازی کسب‌وکارهای جدید، تشویق زنان و دختران به ایجاد فرصت‌های شغلی غیرزراعی در روستا، حمایت از بنیه اقتصادی زنان روستایی در قالب تشکل‌ها، اتحادیه‌ها، شبکه‌ها و تعاونی‌های تولید و تشویق روستاییان و خصوصاً زنان به ایجاد و تقویت صندوق‌های قرض‌الحسنه، اولویت راهبردهای ارائه شده در زمینه الگوی مناسب توانمندسازی زنان روستایی بوده است. سیاست فعال کردن بازار کار، مدل برابری جنسی، فعال‌سازی حضور زنان در حوزه کشاورزی و ارتقای توان کسب درآمد بیشتر توسط زنان، استراتژی‌های چهارگانه در توانمندسازی اقتصادی زنان در منطقه آمریکای جنوبی و دریای کارائیب بوده است. در پروژه‌هایی که علاوه بر وام‌های کوچک و اعطای کمک مالی به آموزش مهارت‌های زندگی در خصوص سایر موارد مانند بهداشت باروری و حقوق پرداخته شده بود، نتایج بهتر بوده است (Safaviet al., 2014; Ketabi et al., 2003). در پژوهشی با عنوان توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه نشان دادند، افزایش دسترسی به منابع مالی و برخورداری از حق مالکیت قانونی از عوامل مؤثر در توانمندسازی زنان است. از نظر آنان حذف باورهای سنتی در توانمندسازی زنان تأثیر داشته و تغییر نگرش در برنامه‌های رسانه‌ها را در این مورد سودمند دانسته‌اند. زمانی میاندشتی و همکاران (Zamani Miandashti et al., 2012) نیز در بررسی سطوح و میزان توانمندی در بین اعضای تعاونی زنان روستایی تفیهان شهرستان شیراز نشان دادند که ابعاد روانی و اجتماعی - فرهنگی توانمندی زنان روستایی از سایر ابعاد توانمندی بیشتر بوده و توانمندی خانوادگی و اقتصادی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. آنان توسعه فعالیت‌های درآمدزای متنوع و برگزاری کلاس‌های آموزشی جهت بالا بردن شناخت زنان از نیازها و توانایی‌های خود و افزایش آگاهی اجتماعی از جامعه را پیشنهاد کرده‌اند.

پاپزن و همکاران (Papzan et al., 2011) در تحقیقی نشان دادند که پس از شرکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای، تفاوت معناداری بین مهارت پیشین و کنونی زنان روستایی در زمینه صنایع دستی ایجاد نشده است. نوروزی و همکاران (Norouzi et al., 2019) در بررسی میزان توانمندی‌های اقتصادی، اجتماعی، روان‌شناختی و خانوادگی زنان روستایی عضو صندوق‌های اعتبارات خرد منطقه سیستان نشان دادند که کمترین توانمندی زنان روستایی منطقه سیستان از بعد خانوادگی و بیشترین توانمندی ایشان از بعد روان‌شناختی بوده است. عضویت در صندوق‌های تأمین مالی خرد سبب شده است که زنان درآمدهای بیشتری کسب کنند و تعداد زنان با درآمد مالی مستقل افزایش یابد (Mohammadi et al., 2018). همچنین صندوق‌های تأمین مالی

خرد تأثیر قابل توجهی در افزایش مشارکت زنان در فرآیند تصمیم‌گیری، افزایش آگاهی حقوقی، جنبش‌های مستقل و همچنین افزایش استانداردهای زندگی برای تشویق توانمندسازی پایدار زنان داشته است (Akhter and Cheng, 2020). افزایش توانمندی فردی و خانوادگی زنان روستایی در میزان دسترسی به وام بانکی و ابزارآلات کشاورزی و فن‌آوری غیرکشاورزی و در نتیجه ارتقای شاخص‌های توسعه سکونتگاه‌های روستایی نیز اثرگذاری مثبت داشته است (Shafiee Sabet and Yousefi, 2016). همچنین افزایش آگاهی اجتماعی نیز نقش مهمی در افزایش توانمندی زنان دارد (Astinfeshan et al., 2018). آگاهی از پیامدهای توانمندی، سیاست‌گذاران را یاری می‌کند تا به تقویت هرچه بیشتر پیامدهای مثبت آن بپردازند (Gholipour et al., 2011). صندوق اعتبارات خرد به‌عنوان یکی از راهبردهای توانمندسازی، اثرات مثبتی در مسائل اقتصادی، کاهش آسیب‌های اجتماعی، توانمندسازی اشتغال و توسعه سرمایه‌گذاری داشته است (Samian et al., 2016). بررسی مطالعات مختلف درباره توانمندسازی نشان داد که علی‌رغم انجام پژوهش‌هایی در این رابطه، تاکنون در زمینه طراحی مدل توانمندسازی زنان روستایی شهرستان کرمانشاه و ضرورت توانمندسازی آن‌ها پژوهشی انجام نشده است. بر این اساس، خلأ وجود پژوهشی در این خصوص احساس می‌شود.

محققان از شاخص‌ها و معیارهای مختلفی برای توانمندسازی استفاده کرده‌اند. شولر و همکاران (Schuler et al., 2010) در سال ۲۰۰۲ برای توانمندی زنان هشت شاخص ارائه کردند. این هشت شاخص به دو بخش منابع و ظرفیت‌ها (آگاهی سیاسی، اجتماعی و امنیت اقتصادی) و عاملیت (تحرک، خرید کردن، مشارکت در تصمیمات مهم، شرکت در اعتراضات عمومی و مبارزات سیاسی و آزادی از سلطه خانواده) تقسیم شدند. هشت شاخص فوق در سال ۲۰۱۰ به هفت شاخص تقلیل یافته و سه شاخص دیگر مانند دسترسی به رسانه‌ها و تلفن، خودکارآمدی و مدیریت دارایی‌های خانوادگی به آن‌ها اضافه شد. دووتا (Dutta, 2014) شاخص‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی-فرهنگی، شخصی-خانوادگی و حقوقی را برای توانمندسازی زنان مورد توجه قرار داد. نایاک و ماهانتا (Nayak and Mahanta, 2009) قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانه، آزادی حرکت، دسترسی به تحصیل، دسترسی به اشتغال، قرار گرفتن در معرض رسانه‌ها، تجربه خشونت خانگی و مشارکت سیاسی را به‌عنوان توانمندسازی زنان در نظر گرفته‌اند. شکوری و همکاران (Shakoori et al., 2007) به بررسی ابعاد مختلف توانمندی زنان و تأثیر ویژگی‌های زمینه‌ای زنان پرداختند. ابعاد روانی (عزت‌نفس، استقلال فکری، احساس قدرت و خود اثربخشی)، اجتماعی (مشارکت اجتماعی، جمع‌گرایی و تمایل به حضور در فضاهای عمومی)، اقتصادی (درآمد، بازپرداخت وام و پس‌انداز) و

سیاسی (مشارکت سیاسی، مبارزه برای کسب حقوق برابر و حذف تبعیض علیه زنان) از جمله ابعاد مورد مطالعه بود. انتخاب شاخص‌ها در ابعاد مختلف تا حدی بستگی به شرایط و زمینه هر پژوهش داشته و سطح این شاخص‌ها در کشورهای توسعه‌یافته بالاتر است. با این وجود، بیشترین تأکید شاخص‌ها بر ابعاد فردی، اجتماعی و اقتصادی بوده است. در این پژوهش از مدل توانمندی کاتانو و چاپمن (Cattaneo and Chapman, 2010) برای تعیین سطح مطلوب تاب‌آوری زنان روستایی استفاده شد. این مدل توانایی تدوین، پیگیری و ارزیابی اقدامات را فراهم می‌کند و به خاطر خاصیت چرخشی آن قابلیت به‌روز شدن دارد. مدل مذکور از سه مرحله اهداف^۱، اقدام^۲ و تأثیر^۳ که در یک بستر اجتماعی^۴ رخ می‌دهد، تشکیل شده است. بستر اجتماعی بر تمامی مراحل و اجزا و ارتباط بین آن‌ها تأثیر می‌گذارد. شناسایی ماهیت اهداف و تفاوت‌های آن‌ها در بسترهای متفاوت و افراد مختلف اهمیت دارد. اهداف یعنی رسیدن به برخی پاداش‌های بیرونی که در مورد توانمندسازی، رسیدن به قدرت است. برای رسیدن به اهداف باید اقدام کرد. این امر با اهداف مشخص، باورهای فرد نسبت به توانایی خود، اطلاع از دانش و آگاهی مربوطه و با استفاده از مهارت‌های مناسب محقق می‌شود.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش کیفی حاضر با هدف ارائه الگویی برای توانمندسازی زنان روستایی شهرستان کرمانشاه انجام گرفت. برای دستیابی به این هدف از مدل فرایند توانمندسازی کاتانو و چاپمن (Cattaneo and Chapman, 2010) استفاده شد. در این مدل، سه مرحله اساسی تعیین اهداف کلی و جزئی توانمندسازی زنان روستایی، اقدامات و سازوکارهای لازم برای دستیابی به اهداف تدوین شده و آثار و پیامدهای حاصل از انجام اقدامات و سازوکارهای اجرایی مورد بررسی قرار گرفت. به نظر می‌رسد این مراحل می‌تواند کل فرایند توانمندسازی را شامل شود و از طرف دیگر، با توجه به اهداف، می‌توان اقدامات لازم را برای دسترسی به آن‌ها تعیین نمود. جامعه مورد مطالعه صاحب‌نظران و کارشناسان امور زنان روستایی بودند که به شیوه نمونه‌گیری هدفمند از نوع متوالی و گلوله برفی انتخاب شدند. نمونه‌گیری تا زمان رسیدن به سطح اشباع داده‌ها یعنی روبرو شدن با داده‌های تکراری ادامه یافت. گردآوری داده‌ها در سال ۱۴۰۰ با استفاده از ۱۶ مصاحبه نیمه ساختارمند صورت گرفت.

-
- 1 Goals
 - 2 Action
 - 3 Impact
 - 4 Social context

مصاحبه با طرح پرسش‌های زیر آغاز شد. چه اهدافی جهت توانمندسازی زنان روستایی باید بیشتر مورد توجه قرار بگیرد و هدف‌گذاری باید بر چه اساسی باشد؟ برای دستیابی به این اهداف، چه برنامه‌ها و اقداماتی پیشنهاد می‌کنید؟ چگونه می‌توان این برنامه‌ها و اقدامات را اجرا نمود (روند اجرای اقدامات را تشریح بفرمایید)؟ این برنامه‌ها و اقدامات پیشنهادی چه پیامدهای احتمالی می‌توانند داشته باشند؟ در ادامه، پرسش‌ها با جزئیات بیشتر مطرح شد. با توجه به اینکه کدگذاری بر اساس مؤلفه‌های مدل کاتانو و چاپمن صورت گرفت، از تحلیل محتوای جهت‌دار برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. به منظور تأیید اعتبار پژوهش از تکنیک مثلث‌سازی و بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان استفاده شد.

انواع روش‌های مثلث‌سازی شامل مثلث‌سازی منابع داده‌ها، نظریه، محقق و روش است (Tabatabaee et al., 2013) که در این پژوهش از مثلث‌سازی منابع داده‌ها استفاده شد؛ چراکه داده‌ها از صاحب‌نظران مرتبط با زنان در ادارات مختلف جمع‌آوری شد. همچنین نتایج به مشارکت‌کنندگان ارجاع داده شد و صاحب‌نظران این نتایج را بازبینی کرده و نهایتاً صحت نتایج مورد تأیید آنان قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS انجام شد.

نتایج و بحث

عوامل محدودکننده زمینه‌ای برنامه‌های توانمندسازی زنان از دیدگاه کارشناسان سازمان‌های متولی زنان در جدول ۱ ارائه شده است. بر اساس نتایج مندرج در این جدول، نوزده زیرطبقه مرتبط با محدودکننده‌های توانمندسازی شناسایی شد که در هشت طبقه دسته‌بندی شدند.

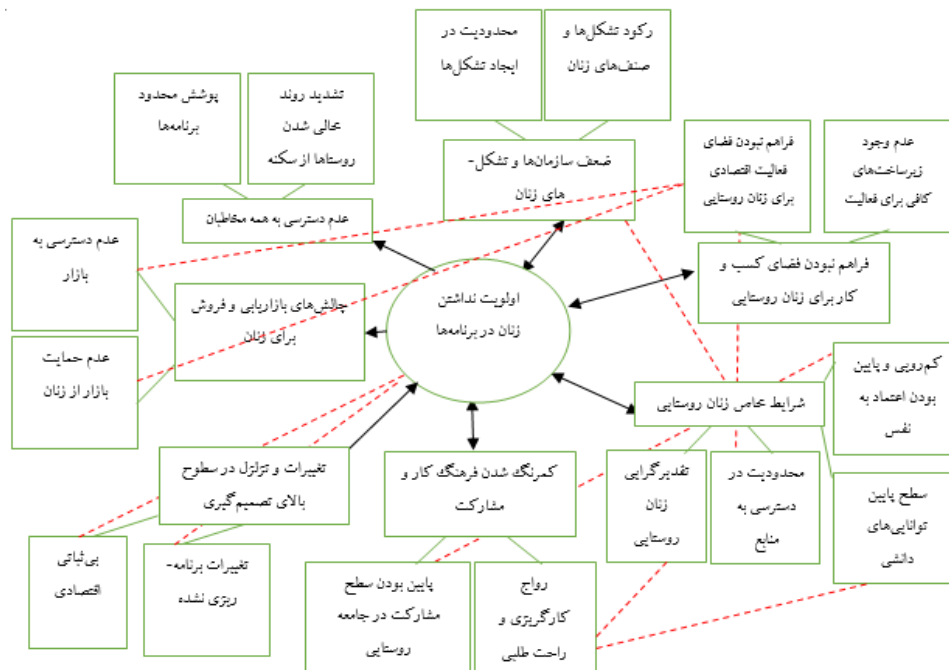
جدول ۱. عوامل محدودکننده زمینه‌ای برنامه‌های توانمندسازی زنان از دیدگاه کارشناسان سازمان‌های متولی زنان

طبقات	فراوانی	زیرطبقات
اولویت نداشتن زنان در برنامه‌های توسعه و توانمندسازی	۴	توجه بیشتر به مردان در ارائه خدمات
	۴	توجه کمتر به زنان روستایی در اسناد بالادستی
	۲	حذف موافقت‌نامه آموزش زنان روستایی
فراهم نبودن فضای کسب‌وکار برای زنان روستایی	۷	فراهم نبودن فضای فعالیت اقتصادی برای زنان روستایی
	۵	عدم وجود زیرساخت‌های کافی برای فعالیت اقتصادی زنان
کم‌رنگ شدن فرهنگ کار و مشارکت در روستاها	۴	رواج کارگریزی و راحت‌طلبی
	۴	پایین بودن سطح مشارکت در جامعه روستایی
شرایط خاص زنان روستایی	۵	محدودیت در دسترسی به منابع
	۴	سطح پایین توانایی‌های دانشی
	۳	کم‌رویی و پایین بودن اعتمادبه‌نفس
	۳	تقدیرگرایی زنان روستایی
ضعف سازمان‌ها و تشکل‌های زنان	۵	رکود تشکل‌ها و صنف‌های زنان
	۴	محدودیت در ایجاد تشکل‌ها
چالش‌های بازاریابی و فروش برای زنان	۳	عدم دسترسی به بازار
	۲	عدم حمایت بازار از زنان
عدم دسترسی به همه مخاطبان	۶	پوشش محدود برنامه‌ها
	۵	تشدید روند خالی شدن روستاها از سکنه
تغییرات برنامه‌ریزی نشده	۲	تغییرات برنامه‌ریزی نشده
	۱	بی‌ثباتی اقتصادی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

پس از تشکیل طبقات، ارتباط بین طبقات و زیر طبقات، به صورت شکل ۱ ارائه و طبقه اولویت نداشتن زنان در برنامه‌ها به عنوان طبقه محوری در نظر گرفته شد. بر اساس یافته‌ها، این عامل مؤثرترین عامل محدودکننده برنامه‌های توانمندی بوده و بر بیشتر طبقات نیز تأثیر دارد.

الگوی برای توانمندسازی زنان روستایی.....



شکل ۱. عوامل محدودکننده زمینه‌ای برنامه‌های توانمندسازی زنان روستایی در شهرستان کرمانشاه

به‌منظور دستیابی به الگوی توانمندی زنان روستایی شهرستان کرمانشاه بر اساس مدل کاتانو و چاپمن، اهداف، اقدامات و پیامدها مورد بررسی قرار گرفت که در جدول ۲ ارائه شده است. در این مرحله تعداد ۲۰ کد کلیدی برای اهداف، ۲۷ کد برای اقدامات و ۱۹ کد برای پیامدها مشخص شد که در ۱۲ دسته طبقه‌بندی شدند.

جدول ۲. وضعیت مطلوب توانمندی زنان روستایی شهرستان کرمانشاه

ابعاد	طبقه	فراوانی	کد	
تحول در نگرش‌ها و عقاید زنان	۷	۷	افزایش سطح آگاهی اجتماعی و حقوقی زنان؛	
	۲	۲	فرهنگ‌سازی جهت حضور زنان و دختران در عرصه اجتماع و فعالیت‌های جمعی؛	
	۲	۲	آگاه کردن زنان نسبت به نقش و مسئولیت خود در ساختن جامعه (افزایش مسئولیت‌پذیری زنان)؛	
	۳	۳	توجه به توانمندسازی زنان در تمامی ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، روان‌شناختی؛	
	۲	۲	توجه به بعد ذهنی و روانی توانمندی به همراه بعد عینی و مادی توانمندی؛	
	۱	۱	دنبال کردن بیشتر ابعاد اجتماعی و روان‌شناختی توانمندی؛	
	توجه به ابعاد مختلف توانمندی	۳	۳	افزایش قدرت تصمیم‌گیری و انتخاب در زنان روستایی؛
		۲	۲	افزایش حس اعتمادبه‌نفس در زنان روستایی مبنی بر مؤثر بودن نقش آنان در فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی؛
		۲	۲	افزایش سطح دانش و مهارت زنان روستایی؛
		۲	۲	هم‌افزایی و مشارکت آگاهانه زنان در فعالیت‌های مختلف؛
۱		۱	بهبود توانایی حل مسئله در زنان روستایی؛	
۱		۱	کنترل احساسات و هیجان‌ها، شناخت استعدادها و پرورش آن‌ها همراه با مدیریت کار و زندگی توسط زنان (کنترل و خودمدیریتی)؛	
۱		۱	توجه به آزادی و استقلال فردی؛	
افزایش نقش عاملیت در توانمندی اهداف		۲	۲	دسترسی راحت‌تر زنان به انواع منابعی که مردان در اختیار دارند (زمین - اطلاعات - منابع مالی - رفاهی)؛
		۲	۲	تسهیل شرایط تأمین منابع مالی جهت ایجاد امکان اخذ وام و ... به دلیل مشکل کمبود یا نبود ضامن و وثیقه جهت اخذ وام؛
		۲	۲	ایجاد قدرت و توان فردی و گروهی برای تغییر شرایط؛
	۱	۱	ایجاد اشتغال پایدار برای زنان روستایی؛	
	۱	۱	بهبود شبکه‌های اجتماعی و افزایش عضویت زنان در تشکلات و نهادها؛	
	۱	۱	تأکید بر شبکه‌سازی و بازاریابی؛	
	۱	۱	افزایش سرمایه اجتماعی؛	
	بهبود ساختار فرصت (افزایش دسترسی به منابع، زیرساخت‌ها و نهادها)	۳	۳	تعیین میزان سازگاری طرح‌ها، پروژه‌ها و برنامه‌ها با نیازهای منطقه‌ای - محلی؛
		۲	۲	امکان‌سنجی و پتانسیل‌یابی منطقه؛
		۲	۲	اقدام بر مبنای وضعیت موجود و شرایط مناطق و ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود؛
۲		۲	توجه به نیازها و اولویت‌های زنان؛	
۴		۴	اجرای برنامه‌های آموزشی - ترویجی هدفمند با هدف دستیابی به اشتغال پایدار؛	
۲		۲	آموزش مهارت‌های پایه‌ای با توجه به ظرفیت جامعه روستایی همراه با آموزش رسمی از مقطع ابتدایی در روستاها؛	
۲		۲	برنامه‌های آموزشی مرحله‌ای (شبکه‌ای از حلقه اول تولید تا بازار)؛	
۱		۱	استفاده از آموزش‌های رسمی و غیررسمی و رسانه‌ها، جهت نهادینه کردن انگیزه‌های روان‌شناختی مثبت؛	
اقدامات		۲	۲	استفاده از ظرفیت کارآفرینان در پشتیبانی و ایجاد خوشه‌های شغلی؛
		۲	۲	در نظر گرفتن منابع مالی و تسهیلاتی مناسب فعالیت‌های زنان روستایی (تعیین مؤسسات مالی تخصصی فعالیت‌های زنان روستایی)؛
	۲	۲	ایجاد سیستم‌های حمایتی از کسب‌وکارهای کوچک روستایی مانند تسهیل فرایند ضمانت وام‌ها، بیمه، بازاریابی، تولید و توزیع محصولات تولیدی؛	
	۲	۲	اعطای تسهیلات به راهبران شغلی و پشتیبان با تضمین فروش محصولات و بازاریابی؛	
	۲	۲	تعریف شغل مناسب با توجه به مزیت و پتانسیل منطقه؛	

الگویی برای توانمندسازی زنان روستایی.....

ابعاد	طبقه	فراوانی	کد
		۴	تغییر رویکرد از برنامه‌ریزی متمرکز به غیرمتمرکز و مشارکتی؛
		۲	درگیر نمودن کلیه ذینفعان و دست‌اندرکاران حوزه مطالعات زنان و توسعه روستایی؛
		۲	بازبینی سیاست‌های اجرایی تولیدات کشاورزی به طور مستمر جهت افزایش مشارکت زنان روستایی در کارهای تولیدی؛
بازآفرینی ساختار برنامه‌ریزی		۱	برنامه‌ریزی با نگاه منطقه‌ای و حتی استانی و محلی با حضور عوامل دخیل در حوزه؛
		۱	از میان بردن دوگانگی در برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و اجتماعی زنان روستا نسبت به شهر؛
		۱	تعیین افراد روستایی به‌ویژه زنان روستایی با تحصیلات دانشگاهی در روستاها به‌عنوان عامل اجرای برنامه‌های توانمندی؛
		۱	برنامه‌ریزی با استفاده از برنامه‌ریزان منطقه‌ای و زنان روستایی؛
		۲	استفاده از تجارب موفق و بومی‌سازی متناسب با شرایط روستاها؛
		۲	شناسایی سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکلهای محلی جهت به دست گرفتن کارها و همچنین مطالبات زنان روستایی از مسئولین؛
افزایش نقش‌آفرینان و پشتیبانان (راهبران) برنامه‌های توانمندسازی		۲	استفاده و بهره‌مندی از مشاوره‌های فنی کارشناسانه و همچنین از تجربیات پیشین و مناطق دیگر؛
		۱	کمک گرفتن از سازمان‌های بین‌المللی مرتبط با زنان روستایی برای دستیابی به تجربیات آنان؛
		۱	بسترسازی جهت استفاده از ظرفیت کارآفرینان ملی و منطقه‌ای جهت انتقال تجربیات؛
		۱	برون‌سپاری بسیاری از برنامه‌ها به بخش خصوصی و تشکل‌ها؛
		۱	ایجاد تشکل‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد محلی ویژه زنان روستایی؛
بازآفرینی نقش‌ها و تعیین مسئولیت‌ها		۲	مشخص شدن متولی برنامه از سطح بالا تا پایین؛
		۲	ساختار شکنی در سطوح برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی؛
		۲	منسجم شدن و تفکیک وظایف هر دستگاه و نهاد متولی؛
		۱	مشخص شدن مسئول نظارت و ارزیابی برنامه‌ها؛
		۱	بهره‌گیری از حضور پشتیبانان و راهبران شغلی در تکمیل زنجیره تولید؛
		۱	حضور و نقش فعال نهادها و تشکلهای محلی و غیردولتی؛
ارتقای جایگاه اجتماعی و اقتصادی پیامدها زنان روستایی در جامعه		۳	افزایش توان مالی زنان و تثبیت درآمد از طریق سیاست‌های حمایتی؛
		۳	ارتقای شاخص‌های خودیابوری و اعتمادبه‌نفس زنان روستایی؛
		۲	اشتغال‌زایی پایدار برای زنان روستایی از طریق برنامه‌های کارآفرینی، کسب و کارهای خانگی، صنایع‌دستی و ...؛
		۱	ایجاد تغییر عادلانه در جهت افزایش رفاه و دسترسی به منابع زنان روستایی و کاهش تبعیض؛
		۱	فرهنگ‌سازی حضور زنان در سطوح تصمیم‌گیری و دوری از قضاوت‌های غلط؛
		۱	ارتقای آگاهی زنان نسبت به حقوق و مسئولیت‌ها؛
		۱	تربیت دختران موفق برای آینده در بستر مناسب و با دیدگاهی بهتر؛
		۱	فراهم نمودن زمینه‌های کارآفرینی خانوادگی به‌منظور حمایت بیشتر از زن روستایی؛
دگرگونی (دستیابی) به ساختار نوگرایانه) در طراحی و تدوین برنامه‌های توانمندسازی		۳	برنامه‌ریزی‌های مشارکتی بر مبنای نیازسنجی جامعه محلی، به‌منظور طراحی برنامه‌های عملی و اجرایی؛
		۲	هم‌افزایی ارگان‌های مختلف در برنامه‌ریزی، اجرا و جمع‌بندی منابع اعتباری؛
		۲	تخصیص بودجه و وقت کافی برای برنامه‌های مشارکتی؛
		۲	ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌ها مختلف؛
		۱	طراحی مدل کسب و کار بومی و محلی؛

مأخذ: یافته‌های پژوهش

همان طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، اهداف شامل ۴ طبقه تحول در نگرش و عقاید زنان، توجه به ابعاد مختلف توانمندی، افزایش نقش عاملیت در توانمندی و بهبود ساختار فرصت (افزایش دسترسی به منابع، زیرساخت‌ها و نهادها) است.

اقدامات لازم برای دستیابی به اهداف تعیین شده در ۵ طبقه شناسایی وضعیت موجود، آموزش هدفمند و مستمر، تحول در اقدامات حمایتی، بازآفرینی ساختار برنامه‌ریزی و افزایش نقش آفرینان و پشتیبانان (راهبران) برنامه‌های توانمندسازی و پیامدهای مورد انتظار از این اقدامات در ۳ طبقه بازآفرینی نقش‌ها و تعیین مسئولیت‌ها، ارتقای جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی در جامعه و دگرگونی (دستیابی به ساختار نوگرایانه) در طراحی و تدوین برنامه‌های توانمندسازی دسته‌بندی شد. پس از تعیین طبقات، مدل توانمندی زنان روستایی شهرستان کرمانشاه به صورت شکل ۲ تدوین شد.



شکل ۲. مدل توانمندی زنان روستایی شهرستان کرمانشاه

بر اساس شکل ۲، الگوی توانمندی زنان روستایی باید با غلبه بر عوامل محدودکننده زمینه‌ای، به صورت فرآیندی و چرخه‌ای به دنبال ایجاد و ارتقای توانمندی در بین زنان روستایی باشد. توانمندی در این چرخه با هدف‌گذاری آغاز می‌شود و با تدوین اقدام مناسب پیگیری می‌شود. اگر در این چرخه نتایج دلخواه به دست نیامد، چرخه به منظور هدف‌گذاری مجدد از نو آغاز می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به اینکه مطالعات نشان می‌دهد تاکنون پژوهش جامع و عمیقی در جهت ارائه الگوی توانمندی زنان روستایی انجام نشده است، لذا این پژوهش به دنبال ارائه الگویی برای ارتقای توانمندی زنان روستایی با اقتباس از مدل کاتانو و چاپمن (Cattaneo and Chapman, 2010) بود. بر اساس مدل ارائه شده، عوامل زمینه‌ای نقش زیادی بر اجرای برنامه‌ها یا کنترل نتایج دارند. یکی از چالش‌های اولیه اولویت نداشتن زنان در برنامه‌های توسعه و توانمندسازی است که باعث شده برنامه‌های متنوع و مناسبی برای زنان در دستور کار قرار نگیرد. از طرف دیگر، فراهم نبودن فضای کسب و کار برای زنان روستایی سبب شده برنامه‌ها کمتر به اهداف خود یعنی اشتغال‌زایی برسند و انگیزه کار برای توانمندسازی زنان توسط نهادها و مؤسسات کمتر شود. این یافته با نتایج پژوهش‌های پاپزن و همکاران (Papzan et al., 2011) و بوزرجمهری و معصومی (Bouzarjomehri and Masoumi, 2018) همخوانی دارد و نشان می‌دهد که محدودیت اعتبارات و نبود صرفه اقتصادی تولید در سطح خرد و همچنین نپذیرفتن زنان در کسب‌وکار و جدی نگرفتن آنان به منزله صاحبان کسب‌وکار، فضای کسب و کار برای زنان را محدود کرده است. جهت غلبه بر این مانع پیشنهاد می‌شود بازارچه‌های محلی، نمایشگاه‌ها و کارگاه‌های تولیدی در سطح دهستان‌ها راه‌اندازی شود تا مشکل ایجاد کسب و کار، فروش محصولات و کسب درآمد کمتر شود.

بر اساس نتایج، کم‌رنگ شدن فرهنگ کار و مشارکت در روستاها از دیگر عوامل چالش‌زا جهت محدود کردن برنامه‌های توانمندسازی است. بسیاری از زنان روستایی علاقه به کار در زمینه کشاورزی ندارند و با توجه به اینکه شرایط دنبال کردن کسب و کار دیگری در جامعه روستایی وجود ندارد، آنان نسبت به گذشته کمتر خود را درگیر کارهای خارج از خانه می‌کنند. همچنین برخی از زنان روستایی سبک زندگی زنان شهری را در روستا دنبال می‌کنند. همین امر باعث می‌شود برخی برنامه‌های توانمندسازی نتیجه مورد انتظار را در پی نداشته باشند. افزون بر این، شرایط خاص زنان روستایی مانند سطح پایین توانایی‌های دانشی، کم‌رویی و پایین بودن اعتمادبه‌نفس، محدودیت دسترسی به منابع و تقدیرگرایی زنان روستایی، نتایج و پیامدهای برنامه‌های توانمندسازی را تحت

تأثیر قرار می‌دهد. این ویژگی‌ها باعث می‌شود بسیاری از زنان روستایی در اندک برنامه‌های توانمندسازی مشارکت نکنند و یا این برنامه‌ها نتایج مناسبی را کسب نکنند. پایین بودن دانش و کمبود اعتمادبه‌نفس زنان در مطالعات سعدی و همکاران (Saadi and Vedadi, 2012) و بوزرجمهری و معصومی (Bouzarjomehri and Masoumi, 2018) نیز بررسی شده است که نتایج این بخش از پژوهش را تأیید می‌کند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود هم‌زمان با آموزش‌های دانشی و مهارتی، آموزش خودشناختی و خودباوری نیز مورد توجه قرار گیرد تا زنان از ارزش و توانایی‌های خویش آگاه شوند و برای تغییر شرایط خود در جامعه و خانواده ترغیب شوند.

بر اساس نتایج، ضعف سازمان‌ها و تشکل‌های زنان و همچنین ضعف بازاریابی و فروش برای زنان می‌تواند بر برنامه‌های توانمندسازی آن‌ها تأثیرگذار باشد. در این راستا و در تأیید نتیجه پژوهش، مطالعه یاسوری (Yasoori, 2012) نشان می‌دهد که کند شدن تشکیل نهادهای زنان به علت عدم اطلاع‌رسانی مناسب و عدم پشتیبانی کافی دستگاه‌های ذی‌ربط و موانع فرهنگی و اجتماعی است. آموزش زنان در زمینه ایجاد و توسعه تشکل‌ها می‌تواند باعث شود که علاوه بر افزایش مشارکت زنان، زمینه کار با سازمان‌های مختلف ایجاد شود. در مطالعه بوزرجمهری و معصومی (Bouzarjomehri and Masoumi, 2018) نیز دسترسی نداشتن به بازار و ندانستن چگونگی ورود به بازار از چالش‌های پیش روی زنان در بازاریابی محصولات عنوان شده که همسو با نتیجه این بخش از پژوهش است. مطابق نتایج به دست آمده، پیشنهاد می‌شود برخی فعالیت‌ها در جهت کم‌رنگ کردن و یا حذف تأثیر عوامل زمینه‌ای صورت گیرد. به‌عنوان مثال، برنامه‌های توانمندسازی مانند ایجاد واحدهای فرآوری محصولات باغی به‌صورت گروهی، واحدهای جمعی تولید محصولات لبنی بسته‌بندی‌شده، کارگاه‌های تولید صنایع دستی، ایجاد تعاونی تولیدی برای زنان روستایی، برنامه‌های آموزش سلامت، حقوق شهروندی و آموزش‌های مهارتی مناسب برای زنان روستایی در نظر گرفته شود. ضمن اینکه تخصیص ردیف بودجه خاص زنان روستایی و تعیین نهاد متولی خاص آنان به کاهش موانع و چالش‌های زمینه‌ای کمک می‌کند.

یکی دیگر از بخش‌های مدل ارائه شده در زمینه توانمندسازی زنان، اهداف است. بر اساس نتایج، تحول در نگرش‌ها و عقاید زنان یکی از اهداف اساسی برنامه‌های توانمندسازی است؛ چراکه تا این تغییر و تحول انجام نگیرد، اهداف دیگر قابل دستیابی نخواهد بود. بهبود نگرش زنان نسبت به خود، توانایی‌ها و جایگاهشان در خانه و خانواده از طریق افزایش آگاهی‌های اجتماعی زنان و فرهنگ‌سازی امکان‌پذیر است. افزایش آگاهی اجتماعی نقش مهمی در افزایش توانمندی زنان دارد

(Astinfeshan et al., 2018). همچنین نتایج تحقیق حاکی نشان داد که توجه به ابعاد مختلف توانمندی از مواردی است که باید در هدف‌گذاری برنامه‌های توانمندسازی زنان روستایی شهرستان کرمانشاه مورد توجه قرار گیرد. نتایج مطالعات نشان می‌دهد که سطح توانمندی زنان در ابعاد مختلف متفاوت است. در همین راستا نتایج پژوهش نوروزی و همکاران (Norouzi et al., 2019) نشان داد که کمترین توانمندی زنان روستایی منطقه سیستان از بعد خانوادگی و بیشترین توانمندی ایشان از بعد روان‌شناختی بوده است. نتایج پژوهش زمانی میاندشتی و همکاران (Zamani Miandashti et al., 2012) نیز هم‌راستا با نتیجه مطالعه حاضر نشان داد که ابعاد روانی و اجتماعی - فرهنگی توانمندی زنان روستایی تعاونی تفیهان شهرستان شیراز از سایر ابعاد توانمندی بیشتر بوده و توانمندی خانوادگی و اقتصادی در رتبه‌های بعدی قرار دارد. با توجه به این تفاوت‌ها در جوامع مختلف روستایی، توجه به همه ابعاد توانمندسازی در برنامه‌ها حائز اهمیت است. بنا بر نتایج پیشنهاد می‌شود، برای تدوین اهداف توانمندی، نیازسنجی صورت گرفته و بر اساس سطح توانمندی زنان در ابعاد مختلف، برنامه‌های آمیخته از ابعاد مختلف با تقدم بر ابعاد ضعیف در دستور کار قرار گیرد.

بر مبنای نتایج پژوهش، افزایش نقش عاملیت در برنامه‌های توانمندسازی نیز از اهدافی است که باید مورد توجه قرار گیرد. افزایش حس اعتمادبه‌نفس در زنان روستایی مبنی بر مؤثر بودن نقش آنان در فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی؛ افزایش قدرت تصمیم‌گیری و انتخاب؛ بهبود توان حل مسئله و توجه به آزادی و استقلال فردی از جمله اهدافی است که به‌منظور افزایش عاملیت زنان روستایی باید مورد توجه قرار گیرد. ایجاد حس تعلق و افزایش اعتمادبه‌نفس زنان روستایی از عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی است (Kooshki et al., 2012) و مهارت حل مسئله نیز باعث افزایش سازگاری فردی - اجتماعی زنان می‌شود (Soudani et al., 2012). نتیجه هر دو عامل فوق موجب افزایش توانمندی زنان و تاب‌آوری آنان در شرایط مختلف خواهد شد. بهبود ساختار فرصت که بر افزایش دسترسی زنان به منابع، زیرساخت‌ها، بهبود شبکه‌ها و تشکل‌ها تأکید دارد، به‌عنوان یکی از اهداف برنامه‌های توانمندسازی زنان روستایی شهرستان کرمانشاه شناسایی و ارائه شد. کتابی و همکاران (Ketabi et al., 2003) نیز همسو با نتیجه مطالعه حاضر، افزایش دسترسی به منابع مالی و برخورداری از حق مالکیت قانونی را از عوامل مؤثر در توانمندسازی زنان بیان نمودند. با توجه به نتایج این بخش از مطالعه پیشنهاد می‌شود کمیته‌ای بین سازمانی جهت اولویت‌بندی اهداف و همسویی آن‌ها با یکدیگر تشکیل شده که این امر می‌تواند به تأمین بودجه برای فعالیت‌های توانمندسازی زنان نیز کمک کند.

یکی دیگر از بخش‌های مدل ارائه شده، اقدامات مناسب جهت دسترسی به اهداف است. نتایج نشان داد، شناسایی وضعیت موجود، آموزش هدفمند و مستمر، تحول در اقدامات حمایتی، بازآفرینی ساختار برنامه‌ریزی و افزایش نقش‌آفرینان و پشتیبانان (راهبران) برنامه‌های توانمندسازی از جمله اقدامات و سازوکارهای لازم برای توانمندسازی زنان روستایی شهرستان کرمانشاه هستند. تعیین اقدامات جهت توانمندسازی زنان روستایی شهرستان کرمانشاه باید با شناسایی وضعیت موجود صورت گیرد. آموزش هدفمند و مستمر، مهم‌ترین راهکار جهت افزایش سطح آگاهی از حقوق و مسائل اجتماعی، بهداشتی و فرهنگی است. انگیزه توانمندی اقتصادی یکی از انگیزه‌های زنان برای شرکت در دوره‌های آموزشی و ترویجی است (Alibaygi et al., 2013)، بنابراین آموزش زنان می‌تواند در افزایش توانمندی اقتصادی آنان نقش داشته باشد. با توجه به تأثیر آموزش بر دانش، مهارت و توانمندی زنان روستایی، آموزش یکی از اقداماتی است که همواره باید مورد توجه قرار گیرد. همان‌طور که نتایج نشان داد، تحول در اقدامات حمایتی از طریق در نظر گرفتن منابع مالی و تسهیلاتی مناسب و حمایت از کسب و کارهای کوچک روستایی از جمله فعالیت‌های ارتقا دهنده سطح توانمندی زنان روستایی است. در این راستا، تشکیل صندوق‌های اعتبارات خرد همواره مورد توجه قرار گرفته است. نتایج پژوهش‌های گذشته نیز نشان می‌دهد که عضویت در صندوق‌های تأمین مالی خرد سبب شده است زنان درآمدهای بیشتری کسب کنند و تعداد زنان با درآمد مالی مستقل افزایش یابد (Mohammadi et al., 2018). همچنین صندوق‌های تأمین مالی خرد تأثیر قابل توجهی در افزایش مشارکت زنان در فرآیند تصمیم‌گیری، افزایش آگاهی حقوقی، جنبش‌های مستقل و همچنین افزایش استانداردهای زندگی داشته است (Akhter and Cheng, 2020). وجود این صندوق‌ها هرچند لازم ولی کافی نیست و اقدامات حمایتی بیشتری برای زنان باید برنامه‌ریزی شود. همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بازآفرینی ساختار برنامه‌ریزی یکی از اقدامات مهمی است که جهت دستیابی به توانمندی زنان روستایی باید مورد توجه قرار گیرد. در این زمینه تغییر رویکرد از برنامه‌ریزی متمرکز به غیرمتمرکز و مشارکتی، مهم‌ترین عامل در بازآفرینی ساختار برنامه‌ریزی خواهد بود. مشارکت زنان می‌تواند به توانمندسازی آنان منجر شود (Asnarulkhadi et al., 2013) و توانمندسازی نیز اساساً فرایندی از پایین به بالا است. افزایش نقش‌آفرینان و پشتیبانان از طریق استفاده از تجارب موفق و بومی‌سازی تجارب موفق، بسترسازی جهت استفاده از ظرفیت کارآفرینان ملی و منطقه‌ای جهت انتقال تجربیات و برون‌سپاری بسیاری از برنامه‌ها به بخش خصوصی پیگیری خواهد شد. سازمان‌های مردمی نیز نقش اساسی در دسترسی به حمایت اجتماعی

بر عهده دارند و مطالعات نشان می‌دهد، تلاش‌های جمعی با ابتکارات و استراتژی‌های هدفمند می‌تواند منجر به تغییر روابط جنسیتی شود (Bolin, 2020)، بنابراین این نهادها می‌توانند فعالیت‌های بهتری در زمینه برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های توانمندسازی زنان بر عهده داشته باشند چراکه ارتباط نزدیک‌تری با جامعه محلی دارند.

آگاهی از پیامدهای توانمندی، سیاست‌گذاران را یاری می‌کند تا به تقویت هرچه بیشتر پیامدهای مثبت آن بپردازند (Gholipour et al., 2011). نتایج نشان داد که بازآفرینی نقش‌ها و مسئولیت‌ها، ارتقای جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی در جامعه و تغییر در طراحی و تدوین برنامه‌های توانمندسازی (دستیابی به ساختار نوگرایانه)، پیامدهای اجرای سازوکارهای توانمندسازی زنان روستایی شهرستان کرمانشاه خواهد بود. ارتقای جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی در جامعه با ایجاد تغییر عادلانه در جهت افزایش رفاه و دسترسی به منابع زنان روستایی و کاهش تبعیض، فرهنگ‌سازی حضور زنان در سطوح تصمیم‌گیری و دوری از قضاوت‌های غلط، ارتقاء آگاهی زنان نسبت به حقوق و مسئولیت‌ها، افزایش توان مالی زنان و تثبیت درآمد، ارتقای شاخص‌های خودباوری و اعتمادبه‌نفس زنان روستایی، اشتغال‌زایی پایدار در پی اجرای برنامه‌های مناسب توانمندی ایجاد خواهد شد. مطابق با نتایج پژوهش، توانمندسازی، دسترسی زنان به منابع و فرصت‌های اقتصادی و سایر سرمایه‌های تولیدی را افزایش می‌دهد. هم‌راستا با نتایج این بخش از مطالعه، جلیلیان و سعدی (Jalilian and Saadi, 2016) نیز نشان داد که توانمندی اقتصادی منجر به افزایش قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده می‌شود. ارتقای توانمندی فردی و خانوادگی زنان روستایی در مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی نیز مؤثر بوده است. علاوه بر این، افزایش توانمندی فردی و خانوادگی زنان روستایی در میزان دسترسی به وام بانکی و ابزارآلات کشاورزی و فن‌آوری غیر کشاورزی و در نتیجه ارتقای شاخص‌های توسعه سکونتگاه‌های روستایی نیز اثرگذاری مثبت داشته است (Shafiee Sabet and Yousefi, 2016). یکی از پیامدهای انجام برنامه‌ریزی صحیح جهت توانمندسازی زنان روستایی، بازآفرینی نقش‌ها و تعیین مسئولیت‌ها خواهد بود که از حضور پشتیبانان و راهبران شغلی و همچنین نهادها و تشکل‌ها در برنامه‌ریزی‌های آینده استفاده می‌شود و برنامه‌های واقع‌گرایانه‌تر و کاربردی‌تری تدوین خواهد شد. از جمله نتایج برنامه‌های توانمندسازی، دگرگونی در طراحی و تدوین برنامه‌های توانمندسازی آینده بر اساس نیاز مخاطبان همراه با مشارکت آنان است. بر این اساس، توانمندی زنان روستایی باعث پررنگ‌تر شدن نقش آنان در برنامه‌های آینده و در نتیجه مشارکت بیشتر آنان خواهد شد.

منابع

1. Abbaszadeh, M., Boudaghi, A. and Aghdasi Alamdari, F. (2012). Empowerment of women heads of households with emphasis on indigenous solutions. Proceedings of the National Conference on Empowerment with the Approach of Economic Jihad in the Imam Khomeini Relief Committee. 139-163. (Persian)
2. Akhter, J. and Cheng, K. (2020). Sustainable empowerment initiatives among rural women through microcredit borrowings in Bangladesh. *Sustainability*, 12(6): 1-19.
3. Alibaygi, A.H., Babaei, M.H. and Gholami, M. (2013). Analysis of Rural Women's Motivations for Participation in Extension and Education Programs. *Women and Society*, 3(12): 139-160. (Persian)
4. Astinfeshan, S., Ali Beigi, A., Karmi Dehkordi, E. and Golami, M. (2018). The effect of social awareness on empowerment level of rural women (Case study: Zanjanrood district, Zanjan township). *Journal of Woman & Society*, 8(4): 103 – 124. (Persian)
5. Bolin, A. (2020). Women's empowerment through collective action: how can forest and farm producer organisations can make a difference, Rome: Food and Agriculture Organization of the United Nations.
6. Bouzarjomehri, K. and Masoumi, M. (2018). Surveying the barriers and challenges faced by women in the marketing of dairy products (Case study: Sarchehan vill, Bavanat county). *Spatial planning*, 8(3): 1-18. (Persian)
7. Cattaneo, L.B. and Chapman, A.R. (2010). The process of empowerment: A model for use in research and practice. *American Psychologist*, 65(7): 646-659.
8. Dutta, P. (2014). Study of womens empowerment in the district of Bankura, Ph.D Thesis in Economic Degree, Department of Economics, University of Burdwan.
9. Gholipour, A., Amirkhani, T. and Aghaz, A. (2011). Institutional consequences of women's psychological empowerment in higher education. *Women's Research (Women's Studies)*, 5(1): 5-27.
10. Gholipour, A., Rahimian, A. and Mirzamani, A. (2008). The role of formal education and organizational work in empowering women in Tehran. *Women in Development & Politics*, 6(3): 113-132. (Persian)
11. Jalilian, S. and Saadi, H. (2016). The role of rural women's home business and empowerment on family economic decision-making (Case study: Islam-Abad Gharb). *Regional planning*, 6(21): 129-142. (Persian)

12. Ketabi, M., Yazdakhati, B. and Farrokhi Rastabi, Z. (2003). Empowering women to participate in development. *Women in Development & Politics*, 1(7): 5-30. (Persian)
13. Khosravi, M.A., Daheshyar, H. and Abtahi, S. (2013). The Empowerment of Women in Making Political Decisions in National and International Decision Makings Structure. *International Relations Studies Research Letter of International Relations*, 5(20): 99-132.
14. Kooshki, F., Irvani, H. and Kalantari, Kh. (2012). Influential factors on improvement of women participation in rural micro credit funds: A case study of Kermanshah Province of Iran). *Village and development*, 14(1): 15-33. (Persian)
15. Mohammadi, Y., Nematolahi, J. and Sepahvand, F. (2018). The role of microfinance on quality of life of village women in the international carbon sequestration project of South Khorasan province. *Journal of Community Development*, 9(2): 239-260. (persian)
16. Asnarulkhadi, A.S., Nobaya, A. and Ndaaji, M.N. (2013). Rural women empowerment through self-help groups in Nigeria: the role of participation and volunteerism. *Life Science Journal*, 10(4): 747-753.
17. Nayak, P. and Mahanta, B. (2012). Women empowerment in India. *Bulletin of Political Economy*, 5(2): 155-183.
18. Norouzi, A., Farhadian, H. and Hosseinian, M. (2019). Investigating the level of economic, social, cognitive and family capabilities of rural women who are members of microcredit funds in Sistan region. *Journal of Rural Development Strategies*, 6(2): 135-144.(persian)
19. Papzan, A., Khaledi, Kh. and Soleimani, A. (2011). An evaluation of handicrafts technical and vocational trainings of rural women. *Women and Society*, 2(7): 21-38. (Persian)
20. Roshannia, D., Khademi, R., Kordi, L. and Solhi Famasl, J. (2016). Investigating the role of rural women in development and its barriers and limitations. *Labor and Society*, 190: 82- 98. (Persian).
21. Saadi, H., Latifi, S. and Vedadi, E. (2012). Examining the issues and problems of rural girls in Hamadan province. *Village and Development*, 15(1): 153-176. (Persian)
22. Safavi, E., Zamiran, B., Maarefvand, M., Arshi, M. (2014). Economic empowerment of young women and girls in Africa and Latin America and Caribbean. *Social work*, 3(4): 3-12. (Persian)
23. Samian, M., Yagoubi Farani, A., Ebrahimi, M. and Azizi, M. (2016). The effects of micro credit accounts of rural women. *Woman and Culture*, 8(29): 47-64. (Persian)

24. Schuler, S.R., Islam, F. and Rottach, E. (2010). Women's empowerment revisited: A case study from Bangladesh. *Development in Practice*, 20(7): 840-854.
25. Shafiee Sabet, N. and Yousefi, S. (2016). Explaining the effective factors on women's empowerment in the process of rural settlement development (Case study: Gilvan and Abbar area in Tarom city). *Researches in Earth Sciences*, 7(25): 44-61. (Persian)
26. Shakoori, A., Rafat Jah, M. and Jafari, M. (2007). Components of women's empowerment and explanation of medical factors on them. *Women in Development and Politics (Women's Studies)*, 5(1): 1-26. (Persian)
27. Soudani, M., Shafie Abadi, A. and Imanirad, A. (2012). The effectiveness of problem solving skills training on increasing individual-social compatibility of divorced women in Kermanshah City. *New Findings in Psychology (Social Psychology)*, 7(23): 115-127. (Persian).
28. Tabatabaee, A., Hasani, P., Mortazavi, H. and Tabatabaichehr, M. (2013). Strategies to enhance Rigour in qualitative research. *Journal of North Khorasan University of Medical Sciences*, 5(3): 663-670. (Persian)
29. Uis, M. A., Hansen, N., Otten, S. and Lensink, R. (2017). A three-dimensional model of women's empowerment: Implications in the field of microfinance and future directions. *Frontiers in psychology*, 8: 1678.
30. Vatankhah Noghani, A., Ghasemi, M. and Javan, J. (2016). Identification and prioritization of women empowerment strategies in rural migration immigrant sending villages based on SWOT matrix and QSPM technique (Case study: Mashhad). *Women's Studies Sociological and Psychological*, 14(3): 61-92. (Persian)
31. Yasoori, M. (2012). The role of NGOs in rural youths and women empowerment (Case of Ardogash village). *Journal of Studies of Human Settlement Planning*, 6(17): 44-60. (Persian)
32. Zamani Miandashti, N., Ataei, P. and Izadi, N. (2012). Investigation of empowerment levels and rate among members of the women's rural association (Case study: Tafihan women's association, Shiraz county). *Women in development & politics*, 10(4): 153-172. (Persian)